

اشتباه نکنم همان روز ما پیمایش انجام دادیم؛ اول آقای رئیسی در کل کشور ۷۱ درصد رأی داشت، دوم آقای جهانگیری با ۴ درصد و سوم آقای لاریجانی با ۲/۵ درصد بود. بقیه هم مثل آقای رضایی و دوستان دیگر یکی دو درصد بودند. آقای رئیسی با این عدد به انتخابات آمد و این قدر فاصله سابقه نداشت. معتقد بودیم اگر آقای لاریجانی و آقای جهانگیری در انتخابات می بودند، مردم حس می کردند رأیشان تأثیرگذارتر است و قطعاً مشارکت به میزان بیشتری بالا می رفت. شاید رأی آقای رئیسی هم رأی بی نظیری می شد؛ مثلاً رکورد انتخابات ۱۳۸۸ را به لحاظ عدد رد می کرد. اگرچه ممکن بود به لحاظ میزان مشارکت این اتفاق نمی افتاد، که آن دوره استثنا بود، اما با توجه به میزان واجدین شرایط حتماً تعداد رأی ایشان رکورد آن سال را به لحاظ کمی رد می کرد. آقای رئیسی تا زمان انتخابات هم توانست فاصله اش را حفظ کند. هیچ نظرسنجی ای تا قبل از انتخابات نداشتیم که نشان بدهد ایشان زیر ۶۰ درصد رأی دارد. البته هدف عده ای این بود که آقای رئیسی یک طوری ضربه بخورد؛ مثلاً کارزار انتخاباتی اش زیر ۵۰ درصد بیاید یا انتخابات دومرحله ای شود. امیدشان به این بود که نشد. درهرحال، به نظرم اگر آقای رئیسی نمی آمد امروز وضعیت سرمایه اجتماعی نظام معلوم نبود در چه حالتی بود.

■ نکته ای در فرمایش شما بود که جای گفت وگو دارد. بیان کردید که آقای رئیسی بیش از رؤسای جمهور قبلی، گفتمان انقلاب اسلامی را نمایندگی می کند. دست کم اگر از سال ۱۳۶۸ تاکنون را در نظر بگیریم، گمان شما بر این است که ویژگی های گفتمانی انقلاب اسلامی بیشتر در ایشان ظهور می یابد. شما چه صورت بندی ای از ادبیات گفتمانی انقلاب اسلامی می کنید که چنین باوری دارید؟

من ابتدا بگویم چرا ایشان نزدیک تر است. در بیشتر موارد قاعده انتخابات این است که به نوعی نامزدها و افرادی را که در معرض انتخاب مردم هستند، به سمت معدل عمومی خواسته ها و اراده عمومی جامعه سوق می دهد؛ یعنی چون انتخابات است و نامزدها به رأی مردم نیاز دارند، تلاش می کنند شعارهایی بدهند و حرف هایی را بزنند که غالباً صورت بندی کلی جامعه به آن شکل است؛ گاهی حرف های دوپهلوی و ابهام برانگیز و تفسیربرداری می زنند که احساس می شود طرفدارهای زیادی دارد. به همین دلیل، عمده نامزدها ادیبانشان را اقتصادی انتخاب می کنند. همچنین در سوی دیگر، جریان های اصلاح طلب عمدتاً برای اینکه بتوانند طبقه متوسط جامعه را با خود همراه کنند ادبیات و گفتمان خودشان را در حوزه های اجتماعی فرهنگی تعریف می کنند.

آقای احمدی نژاد، به ویژه در دوره دوم، عامل اتفاقات سال ۱۳۸۸ را این می دانست که وزارت ارشاد دوره آقای صفار هرنندی و مجموعه فرهنگی دولت نتوانستند یک گفتمان همگرا با طبقه متوسط ارائه دهند؛ برای همین او رأی تهران را از دست داد؛ بنابراین از سال ۱۳۸۸ حوزه فرهنگی اش

در سال ۱۴۰۰ یک اجماع ملی پشت سر حضور آقای رئیسی بود. در ۲۵ خرداد ۱۴۰۰، یعنی سه روز مانده به انتخابات، چهره های شاخص روزنامه نگاری جریان اصلاح طلب با آقای رئیسی دیدار کردند. ادبیات آقای رئیسی ادبیات جناحی نبود. روزی که برای ثبت نام آمد، گفت: من عضو هیچ جناح سیاسی نیستم، به هیچ جناحی تعهد ندارم و تعهدم به مردم ایران است

را از وزارت ارشاد جدا کرد تا در خود نهاد ریاست جمهوری نمایندگی و سازماندهی شود و بتواند آنچه را که خودش می خواهد به عرصه برساند؛ در نتیجه گفتمان مکتب ایرانی را آوردند. اما برای گفتمان آقای رئیسی اساساً امکان فاصله گرفتن از گفتمان رسمی انقلاب و نظام اسلامی متصور نبوده و نیست؛ چون از جایگاهی وارد انتخابات شد که برایش چنین زمینه ای وجود نداشت که بخواهد در این جاها مبهم حرف بزند. خود رئیس جمهور هم چنین باوری ندارد و به دوری از دوپهلویی یا دورویی مقید است؛ چرا که آقای رئیسی گفتمان روشنی دارد و نمایندۀ گفتمان رسمی نظام در حوزه عمومی است.

برای نمونه بگذارید به اقتضائات گفتمان فرهنگی آیت الله رئیسی بپردازم. گفتمان فرهنگی ایشان باید گفتمان فرهنگی انقلاب اسلامی را نمایندگی کند. در گفتمان رسمی انقلاب در حوزه فرهنگ به حضور دولت قائلیم، به سیاست گذاری و نظارت دولت قائلیم؛ اما به بی طرفی دولت در عرصه فرهنگ قائل نیستیم و با ولنگاری دولت در امور فرهنگی مخالفیم. معتقدیم که هنجارهای اسلامی باید در جامعه ساری و جاری شود و این ارزش ها را باید خیلی صریح به زبان بیاوریم. مشابه ادبیات آقای رئیسی را در بین ادبیات رؤسای جمهور قبل کمتر می بینید. آقای رئیسی تولید آستان قدس و رئیس قوه قضائیه بود و این باورمندی به گفتمان نظام را به روشنی نشان می داد. مردم نیز با وجود روشن بودن گفتمان سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی ایشان و به دلیل دارا بودن نزدیک ترین ادبیات به گفتمان رسمی

انقلاب اسلامی، به قانون اساسی و به ادبیات امام (ره) و رهبری، در سال ۱۴۰۰ به آقای رئیسی رأی دادند. شما اگر افراد را با هم مقایسه کنید، این صراحت و قرابت را بیشتر در آقای رئیسی می بینید. آقای رئیسی با دقت در انتخاب کلمات، مقید بود کلماتی را انتخاب نکند که باری دوپهلوی داشته باشد و بوی فریبکاری بدهد. آقای رئیسی جاهایی می درخشید که دشمن تلاش می کرد این نقطه ها را منفی نشان دهد؛ مثلاً در عصر آزادی های بیان یا در موضوعات مربوط به آزادی های اجتماعی یا در نگاه مدیریت فرهنگ جامعه به شدت به آزادی بیان و به سعه صدر در حاکمیت قائل است. در کابینه اش چند نفر از رقبایش حضور دارند. اگر فردی از سطح بالای گشودگی و مدارا برخوردار نباشد، به طبع با چنین افرادی نباید بتواند کار کند. در حوزه مدیریت سیاسی و افکار عمومی هم همین طور است. ایشان در دوره ریاست قوه قضائیه برای اولین بار محکومان دانشجویی و سیاسی را عفو کرد. این مشی ایشان است. ذات و مرام همیشگی آقای رئیسی این گونه است. مشی آقای رئیسی بدون شک در حوزه مدیریت فرهنگی آن تساهل و تسامح فریبنده که غربی ها دنبالش هستند، نیست و معتقد است ما باید به اهداف، هنجارها و آرمان های انقلاب اسلامی پایبند باشیم. در حوزه مدیریت اجتماعی کاملاً منطق گفت وگو و منطق آزاداندیشی را قبول دارد که این از نشانه های گشودگی و آزادگی ایشان است. آقای رئیسی نسبت به مخالف ترین مخالف هایش هم به لحاظ شخصی اظهار رواداری و فروتنی دارد. کسی خودرایی و تندخویی و تقدناپذیری را در وجود ایشان نمی بیند. هرکس به ایشان نزدیک می شود این روحیه را می بیند.

من به عنوان وزیر فرهنگ شاید در شش هفت جلسه اجتماعی در جمع هنرمندانی که به آقای رئیسی رأی ندادند، رئیس جمهور را همراهی کردم؛ تقریباً کسی نیست که یک جلسه با ایشان بیاید و معتقد نباشد این تصویری که شبکه های ماهواره ای و رقبای سیاست زده درست کردند، ۱۸۰ درجه با این چیزی که ما دیدیم فرق می کند؛ مثلاً دو شخصیت مشهور جریان اصلاح طلب عضو هیئت امنای کتابخانه ملی بودند. من برای تغییرشان، دو پیشنهاد خدمت ایشان داده بودم. اما رئیس جمهور به من گفت این دو نفر بمانند و ماندند. شما بروید از تندترین منتقد های جریان رقیب هم بپرسید، معتقدند آقای رئیسی آدم باانصاف، گشوده، فروتن و نقدپذیری است. این را همه قبول دارند و این ها ویژگی های مورد انتظار انقلاب اسلامی است. ذهنیتی که دیگران از گفتمان فرهنگی انقلاب ساخته اند، گفتمان متصلبی است که به گفت وگو قائل نیست؛ این تصویر غلطی است. گفتمان فرهنگی انقلاب و گفتمانی که این دولت به آن منتسب است، در عین پایبندی به احکام دین و سنت های جامعه به آزاداندیشی و به تحمل مخالف معتقد است؛ مثلاً حداکثر کاری که در این دولت در مقابل منتقدان انجام دادیم، این بود که ما متقابلاً جوابشان را داده ایم. آیا رسانه ای بسته شده؟ آیا با رسانه ای برخورد حذفی

ویژه نامه



ایران

چهارشنبه
۲ شهریور ۱۴۰۱